

سقوط صدام و تأثیر آن بر جنبش اسلامی در عراق

علیرضا سبزیان موسی آبادی*

براساس یک تعریف، منظور از جنبش اسلامی در عراق بطورکلی طیفی از جریانهای اسلامی است که از رادیکالیسم سلفی نظیر جریان انصارالاسلام، شاخه عراقی جنبش القاعده، تا چهره های محافظه کار مذهبی مانند کتغان مکبه^۱ و لیث مکبه^۲ و بالاخره جریان اصولگرای اسلامی در قالب مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب الدعوه و آیت الله سیستانی را در بر می گیرد. البته بدیهی است که جریانهای رادیکال و محافظه کار به این لحاظ که حامل ارزشهای اصیل اسلامی نیستند، نمی توانند به معنی دقیق کلمه نماینده جنبش اسلامی باشند؛ بنابراین جنبش اسلامی جنبشی است که واجد شاخصهای اصیل اسلامی باشد. وحدت (توحید اجتماعی)، استقلال طلبی، اقتدار اسلامی، حق محوری، عدالت محوری، تواضع و فروتنی، قناعت پیشگی، صلح دوستی و مانند آن از مهمترین شاخصهای یک جریان اصیل اسلامی است.^۳

* عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

۱. کتغان مکبه از معارضین شیعه عراقی متولد سال ۱۹۴۹ و مدیر مرکز مطالعات در دانشگاه هاروارد و استاد دانشگاه ماساچوست آمریکا است. وی در سال ۱۹۶۸ بغداد را به قصد شمال عراق ترک کرد و از سال ۱۹۷۱ همواره مورد غضب رژیم عراق بوده است.

۲. در مورد لیث مکبه مراجعه کنید به: <http://www.peiknet.com/1382/page/11ord/p390irak.htm>

۳. در این زمینه به آیات زیر مراجعه نمایید:

سوره های هود، آیه ۶۱؛ طه، آیه ۸؛ حج، آیه ۳۴؛ آل عمران، آیه ۶۴؛ بقره، آیه ۱۵۶؛ اعراف، آیه ۱۵۸؛ انبیاء، آیه ۱۰۷؛ حدید، آیه ۲۵؛ حجرات، آیه ۱۳؛ زمر، آیه ۹؛ زخرف، آیه ۳۲ و مانند آن.

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که لشکرکشی آمریکا به عراق و در نتیجه سقوط صدام و رژیم بعث، چه تأثیری بر جنبش اسلامی در عراق داشته است؟ در پاسخ، فرضیه مقاله این است که: «سقوط صدام، موجب تحریک و تقویت جنبش اسلامی در عراق شده است». آزمون فرضیه و نتایج تحقیق حاکی از این است که تقویت جنبش اسلامی در عراق با متغیرهای زیر رابطه دارد:

۱. سقوط صدام و فراهم شدن زمینه برای فعالیت جریانهای اسلامی در عراق؛
۲. تغییر دیدگاه آمریکا نسبت به برخی از جریانهای اسلامی و بویژه شیعیان در عراق؛
۳. مشارکت احزاب و گروههای اسلامی در ساختار سیاسی عراق، امری که در تاریخ سیاسی معاصر عراق بی سابقه است؛
۴. فعال شدن برخی از چهره های غیر فعال سیاسی نظیر آیت الله سیستانی در صحنه سیاسی عراق؛
۵. تغییر توازن قدرت به نفع جریان اسلامی در عراق؛

واژه های کلیدی: جنبش اسلامی عراق - جنبش اسلامی - آیت الله سیستانی - کتکان

مکیه - لیث مکیه - حزب الدعوه - مجلس اعلا

Faculty of Admin. Sciences & Econ. Journal,
University of Isfahan,
Vol.17, No.2, 2005

The Fall of Saddam and Its Impact on the Islamic Movement in Iraq

A. Sabzian Mousa Abadi

Abstract

In definition, the concept of Islamic movement comprises a spectrum of movements from radicalism-e- salafi such as Ansar-ol-Islam (the Iraqi's branch of al-Ghaedeh) to conservatism such as conservative figures such as Kanan Maccieh and Leis Maccieh and finally Islamic fundamental movements and figures for example Ayatollah Sistani, Hezb-ol-Daveh and Majles-e-Ala in general. Of course it is obvious that the radical and conservative movements could not have been the representative of Islamic movement because they do not carry the genuine Islamic values. So, the Islamic movement is a movement usually carrying the genuine Islamic values. The most

important Islamic values are: unity, independence, authority, realism, justice, etc.

The main aim of this article is to provide an answer to the question of Saddam's downfall and its effects on Islamic movement in Iraq. Regarding this question, the results of the research indicate that instigation of Islamic movement is in relation to the following variables:

1. The fall of Saddam and creation of the basis for motivating Islamic movements in Iraq;
2. Changing the American's view about some Islamic movements, particularly Shias in Iraq;
3. Participation of parties and Islamic groups in the political structure power of Iraq;
4. Activation of some of the inactive political figures such as Ayatollah Sistani in the political scene of Iraq;
5. Changing the balance and of political power in Iraq to benefit the Islamic movement.

Keywords: Iraq, Islamic movement, Ayatollah Sistani, Kanan Maccieh, Leis Maccieh, Hezb-ol-Daveh, Majles-e- Ala

:

در این مقاله ابتدا به پیشینه جنبش اسلامی در عراق می پردازیم و سپس تأثیر سقوط صدام را بر این جنبش بررسی خواهیم نمود. بحث از سابقه جنبش اسلامی در عراق با این هدف صورت می گیرد که با اطلاع از این سابقه بتوان کم و کیف فعالیتهای جنبش اسلامی را در مقاطع قبل و بعد از سقوط صدام مقایسه کرد و از طریق این مقایسه، به تحرک و تقویت جنبش اسلامی در مقطع دوم پی برد.

بطور کلی سابقه جنبش اسلامی در کشور عراق را میتوان به سه دوره تقسیم کرد:

الف: از آغاز تا جنگ جهانی دوم؛ مطالعات مرهکی

ب: از جنگ جهانی دوم تا حاکمیت حزب بعث؛

ج: از حاکمیت حزب بعث تا سقوط صدام.

الف: از آغاز تا جنگ جهانی دوم

تا پیش از اشغال عراق توسط انگلیس در سال ۱۹۱۴ میلادی، هیچ حزبی به طور مستقل، از احزاب خارجی، در عراق تأسیس نشده بود.^۱ با شروع جنگ جهانی اول، انگلیسیها به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمانها و نیز وعده آزادی و استقلال سرزمینهای تحت حکومت عثمانی، در نوامبر سال ۱۹۱۴ از طریق فاو و بصره عراق را اشغال کردند. اشغال عراق موجب صدور حکم جهاد از سوی علما و بسیج عمومی مردم به منظور مقابله با انگلستان شد.^۲ در خلال این مبارزات، در اواخر سال ۱۹۱۷ میلادی اولین حزب سیاسی اسلامی بنام «جمعیت نهضت اسلامی» تأسیس شد که از قدیمی ترین احزاب سیاسی معاصر عراق محسوب می شود. البته احزاب دیگری نظیر «حزب سری نجفی» در نجف و «جمعیت اسلامی» در کربلا و کاظمین نیز در این سالها تشکیل شدند که در جریان نهضت اسلامی سال ۱۹۲۰ میلادی عراق بر علیه انگلیس فعالیت می کردند.

این نهضت که ابتدا از شهرهای کربلا و نجف آغاز شد در مدت کوتاهی از شمال به کرکوک و از جنوب به بصره سرایت کرد و تا آنجا پیش رفت که مرکز نظامی انگلیس در بغداد مورد تهدید جدی قرار گرفت و فرمانده پادگان انگلیسی ها در بغداد را مجبور کرد که اطراف شهر را با سیم خاردار محصور کرده و تعداد زیادی توپ، مسلسل و سرباز را برای جلوگیری از هجوم انقلابیون در بغداد مستقر نمود، بطوری که شهر به حالت تعطیل در آمد؛ اما در حالیکه جنبش به سرعت پیش می رفت به عللی از جمله: کمبود منابع مالی، عدم کمک رسانی جامعه بین المللی، تحریک احزاب استقلال و عهد (متشکل از عناصر ملی گرا و مذهبی) و نیز تأکید اشراف و ثروتمندان به مذاکره و تسلیم در برابر اشغالگران و بالاخره تدبیر انگلیس مبنی بر فراخوانی نیروهای کمکی از هند و ایران، متوقف شد. با توقف جنبش و روی کار آمدن فیصل اول، فعالیت احزاب اسلامی رو به رکود گذاشت بگونه ای که هیچ حزب اسلامی در عراق خودنمایی نمی کرد و این جریان تا جنگ جهانی دوم ادامه داشت.^۳

ب: از جنگ جهانی دوم تا حاکمیت حزب بعث

۱. کار حزبی در عراق از سال ۱۹۰۸م. و بدنبال تشکیل احزاب سیاسی در ترکیه و انشعابات آن در عراق آغاز شد. شعبه هایی نظیر جمعیت اتحاد و ترقی و حزب عهد از این جمله اند.

۲... (:)

(:)

(

در دوره پس از جنگ جهانی دوم، تا سال ۱۹۵۷ که بزرگترین حزب اسلامی عراق یعنی «حزب الدعوه» شکل گرفت، چند حزب اسلامی تأسیس شد که مهمترین آنها عبارتند از:

این حزب که در سال ۱۹۴۸ در عراق تأسیس شد، شعبه ای از اخوان المسلمین مصر بود و از لحاظ اندیشه و عمل به همان شیوه عمل می کرد. در ابتدای تأسیس به مدت شش سال به کار ایجاد تشکیلات و مسایل درون سازمانی پرداخت و هیچ فعالیت قابل ملاحظه ای نداشت، اما از سال ۱۹۵۴ فعالیت خود را از دانشگاه بغداد آغاز کرد؛ در عین حال چون یک جنبش سنی بود بیشتر در محافل اهل سنت طرفدار داشت و فعالیت آن بیشتر در شهرهای موصل، سامرا و تا حدودی در بصره و بغداد متمرکز بود و نتوانست در مراکز شیعی مخاطب پیدا کند.

این حزب نیز که توسط اهل سنت تأسیس شد، در امتداد حزبی است که با همین نام در سال ۱۹۵۲ در فلسطین تشکیل شده و دانشجویان و اساتید اردنی و فلسطینی شعبه آن را در عراق دایر کردند. در سال ۱۹۵۴ این حزب سعی کرد که به فعالیت خود رسمیت بدهد ولی دولت موافقت نکرد، لذا مواضعی بر علیه دولت عراق گرفت و فعالیت آن ممنوع شد.^۱

()

این حزب در سال ۱۹۵۳ در نجف تأسیس شد و سپس دامنه فعالیت خود را به کربلا گسترش داد. از جمله فعالیت‌های آن برپایی جلسات سخنرانی و ترویج کتاب برای دانش آموزان دبیرستانی و نیز برنامه ریزی برای برپایی اولین تظاهرات مسلمانان در عراق بود. در آن دوره تظاهرات بیشتر توسط کمونیست‌ها انجام می شد. این جنبش نیز مورد هجوم نیروهای ملی گرا واقع گشت و با تعطیل شدن جلسات آن در سال ۱۹۵۴ منحل شد.^۲

۱. از جمله این موارد حمله به پیمان بغداد و انتقاد از معاهده عراق و انگلیس در مورد نفت بود.

۲. ناظمیان، همان، صص ۴۰-۳۹.

شعور سیاسی مردم عراق در اواخر پادشاهی ملک فیصل دوم، انقلاب ژوئیه سال ۱۹۵۲ جمال عبدالناصر در مصر و انعکاس شعارهای استقلال طلبانه و ملی گرایانه آن در عراق، کودتای عبدالکریم قاسم علیه ملک فیصل (۱۹۵۷) و اختلاف میان دو رهبر کودتا یعنی عبدالکریم قاسم و عبدالسلام عارف و تقسیم فضای سیاسی عراق به دو دسته طرفدار عبدالکریم قاسم (در قالب حزب دموکراتیک ملی و حزب کمونیسم) و طرفدار عبدالسلام عارف (در قالب احزاب ملی گرا، ناصریستها و بعثی ها) در مجموع فضای جدیدی را در زمینه اندیشه سیاسی و حزب گرایی در عراق بوجود آورد. در این شرایط، حوزه علمیه و محافل مذهبی نیز که بدنبال شکست نهضت سال ۱۹۲۰ عراق سالها از میدان عمل سیاسی فاصله داشتند، تحت تأثیر فضای جدید، هسته اولیه حزب الدعوه را در سال ۱۹۵۷ میلادی پایه گذاری کردند.^۱ آیت الله محمد باقر صدر و الحاج عبدالصاحب الدخیل دو تن از مهمترین اعضای مؤسس این حزب بودند که هر دو در جریان فعالیتهای سیاسی در عراق به شهادت رسیدند.

در سال ۱۹۵۹ میلادی و همزمان با موج کمونیسم در عراق، در حوزه علمیه عراق گروهی به نام «جماعت العلما» بوجود آمد که زمینه های سقوط عبدالکریم قاسم را در سال ۱۹۶۳ فراهم کرد. از برجسته ترین کارهای جماعت العلما چاپ و نشر کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا بود که توسط سید محمد باقر صدر به رشته تحریر در آمده بود. سید محمد باقر معتقد بود که حزب الدعوه باید بازوی تشکیلاتی حوزه علمیه و جماعت العلما باشد.^۲ باتوجه به اینکه شکل گیری حزب الدعوه با موج کمونیسم در عراق همزمان بود، لذا اولین صحنه درگیری حزب، رویارویی با کمونیسم در زمان عبدالکریم قاسم بود، زیرا کمونیستها در پناه رژیم قاسم پورش گسترده ای را بر علیه فرهنگ و عواطف اسلامی آغاز کرده بودند و حزب الدعوه در چنین شرایطی توانست مردم را در برابر کمونیسم بسیج نماید. اما با سقوط عبدالکریم قاسم (۱۹۶۳) حزب الدعوه بهترین دوره خود را آغاز کرد زیرا عبدالسلام عارف در برابر فعالیتهای اسلامی واکنش منفی نداشت و حزب الدعوه در این دوره

۱. ناظمیان پیشین، ص ۴۱ - ۴۱.

۲. ناظمیان پیشین، ص ۴۲ - ۴۱.

هواداران زیادی را جذب کرد. بنابراین حزب الدعوه و سایر جریانهای اسلامی در فاصله سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸ دوران طلایی خود را طی کردند.^۱

ج: از حاکمیت حزب بعث تا سقوط صدام

با قدرت یافتن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ مرحله جدیدی در تاریخ جنبش اسلامی عراق بویژه حزب الدعوه آغاز شد. در این دوره با دستگیری و اعدام رهبران حزب، بعضی ها همه امکانات خود را برای نابودی حزب الدعوه بکار گرفتند. در سال ۱۹۷۰ با اولین هجوم حزب بعث به حزب الدعوه، عبدالصاحب الدخیل (ابوعصام) و برخی دیگر از رهبران حزب دستگیر شدند. بعضی ها در صدد کسب اطلاعات از ابوعصام بودند ولی موفق نشدند، لذا وی را در حوض اسید انداخته و شهید کردند و بقیه نیز از عراق خارج شدند.^۲

در سال ۱۹۷۴ نیز گروه دیگری از رهبران حزب الدعوه شناسایی و برخی به شهادت رسیدند، لذا حزب الدعوه ضربات بزرگی را دریافت نموده و فعالیت های فرهنگی آن بطور ملموسی کاهش یافت و از آن به بعد با تشکیلات بسیار سری به حیات خود ادامه داد.

با پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۸) حزب الدعوه دوباره در سطح دانشگاهها فعال شده و مرحله جدیدی در تاریخ حزب آغاز شد. آیت الله محمد باقر صدر با امام خمینی (ره) بیعت کرد و انقلاب اسلامی را تأیید نمود. اما حزب بعث که از نزدیک شدن حزب الدعوه به انقلاب اسلامی بیمناک بود، هجوم گسترده ای را بر علیه حزب آغاز کرد و بسیاری از رهبران آن از جمله آیت الله سید محمد باقر صدر را دستگیر و سرانجام در سال ۱۹۸۰ به همراه خواهرش بنت الهدی شهید کرد. با شهادت آیت الله صدر، حزب الدعوه پشتوانه فکری و سیاسی خود را از دست داد و بسیاری از رهبران اصلی آن به ایران و سایر کشورها مهاجرت کردند تا برای مبارزه با رژیم صدام آماده شوند. بنابراین مرحله جدیدی از مبارزه مسلحانه را در عراق آغاز نمودند که ترور ناموفق صدام در سالهای ۱۹۸۰، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ از آن جمله است.^۳

بهر حال حزب الدعوه قدیمی ترین تشکل سیاسی شیعیان عراق و یکی از دو گروه اصلی آنها (در کنار مجلس اعلا) است که توان ایفای نقش مؤثری در ساختار سیاسی آینده

۳. ناظمیان پیشین، ص ۴۶.

۱. ناظمیان پیشین ص ۴۹-۴۸.

۲. ناظمیان پیشین، ص ۵۲-۵۰.

عراق دارد. این حزب دارای چند شاخه است که عمده ترین آن توسط دکتر ابراهیم جعفری رهبری می شود. این گروه از اعتقادات اولیه اش که معتقد به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بود و آن را تبلیغ می کرد، فاصله گرفته و اکنون خواستار تشکیل حکومت دموکراتیک برپایه انتخابات است که در آن قوانین براساس شریعت اسلامی مقرر شده باشند.

از دیگر مزیت های سیاسی - مذهبی حزب الدعوه برخوردار این تشکل از شبکه گسترده روحانیت و مساجد در سطح عراق است که با استفاده از آن می تواند از نفوذ این شبکه در میان مردم، برای جلب نظر آنان استفاده کند. در جریان امضای قانون اساسی موقت عراق نیز گروه حزب الدعوه از مواضع آیت الله سیستانی بطور کامل حمایت کرد. در واقع در تحولات اخیر، حزب الدعوه و مجلس اعلا تلاش می کنند تا در مقابل آمریکا و سایر بازیگران داخلی و خارجی، حداکثر هماهنگی و همسویی را با آیت الله سیستانی بعمل آورند. این حزب بدنبال برگزاری هرچه سریعتر انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری است و نگران زد و بند آمریکا علیه شیعیان است و نیز با بکارگیری مجدد عناصر وابسته به حزب بعث توسط آمریکایی ها در تشکیلات جدید اداره عراق، بشدت مخالف است و به طور رسمی علیه این جریان موضع گیری کرده و در عین حال بر استراتژی خروج هرچه سریعتر نیروهای بیگانه از عراق و انتقال کامل قدرت به عراقی ها متمرکز شده است. در مجموع، حزب الدعوه را درکنار مجلس اعلا و گروه صدر باید یکی از سه جناح اصلی شیعه در عراق کنونی دانست.^۱

سازمان عمل اسلامی

سابقه سازمان عمل اسلامی به جنبش مرجعیت (حرکت المرجعیه) برمی گردد که در سال ۱۹۶۶ میلادی توسط محمد تقی مدرسی در کربلا تأسیس شد و بوسیله سید محمد شیرازی پشتیبانی می شد. سید محمد تقی و سید محمد هادی مدرسی از نمایندگان مهم سازمان عمل اسلامی و خواهر زاده سید محمد شیرازی می باشند.

سید محمد شیرازی فرزند آیت الله سید مهدی شیرازی است که پس از رحلت پدر، مرجعیت خود را در سن چهل سالگی مطرح کرد اما با مخالفت علمای حوزه عراق مواجه شد.

۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۸۳/۲/۲۱.

۲. آیت الله سید مهدی شیرازی پسر عموی آیت الله سید میرزا حسن شیرازی رهبر نهضت تنباکو و خواهر زاده آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی رهبر نهضت سال ۱۹۲۰ عراق است.

در عین حال وی فعالیت خود را در عراق و دیگر کشورهای اسلامی با عنوان حرکت المرجعیه آغاز کرد و در قالب این جنبش با رژیم بعثی به مبارزه پرداخت.

وی در سال ۱۳۴۳ شمسی به هنگام تبعید امام خمینی (ره) به عراق از ایشان استقبال شایانی کرد و رژیم شاه را نیز به دلیل کشتار مردم و دستگیری علما و مراجع مورد انتقاد قرار داد؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر خلاف مسیر حرکت نظام جمهوری اسلامی گام بر داشته است. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حرکت المرجعیه از هم پاشید و در قالب تشکیلات جدیدی بنام جنبش متعهد های پیشگام (حرکت الرسالین الطالیع) ظهور کرد. این جنبش علاوه بر سازمان عمل اسلامی در عراق، دارای چندین شاخه در کشورهای اسلامی است که: سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب در عربستان، جبهه آزادیبخش اسلامی بحرین و جنبش اسلامی درکویت از آن جمله اند.^۱

در سال ۱۹۷۹ میلادی یعنی در شرایطی که انقلاب اسلامی ایران تازه به پیروزی رسیده بود، گروهی از جوانان مسلمان و مقلد آیت الله سید محمد باقر صدر، حزبی را با هدف ساقط کردن رژیم بعثی و تشکیل حکومت اسلامی در عراق با عنوان جنبش مجاهدین عراقی تشکیل دادند. اما در سال ۱۹۸۰ که فشار رژیم عراق بر نیروهای جنبش اسلامی شدت یافت، سید محمد باقر حکیم و برادرش سید عبدالعزیز حکیم مخفیانه عراق را ترک کرده به سوریه رفتند و در آنجا بر فعالیت جنبش مجاهدین عراقی تأکید نمودند. سپس با آمدن سید عبدالعزیز حکیم به ایران، وی رهبری جنبش فوق را به عهده گرفت و پس از تشکیل مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق، جنبش مجاهدین عراقی به این مجلس پیوست.

قبل از تأسیس مجلس اعلا، دفتر انقلاب اسلامی عراق با هدف هماهنگ کردن گروههای مبارز عراقی و با نظارت آیت الله سید محمد باقر حکیم دایر شد. این دفتر که در جریان فتح خرمشهر بوجود آمد، نتوانست رسالت خود را که هماهنگی میان گروههای مبارز عراقی بود به خوبی انجام دهد، لذا به دلیل عدم کارآیی منحل شد و در اواخر سال ۱۹۸۲

میلادی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به عنوان تنها نماینده نهضت اسلامی عراق ایجاد شد و از تمام نیروهای اسلامی و غیر اسلامی مخالف رژیم عراق خواست که در جهت ساقط کردن صدام به این مجلس بپیوندند. احزاب و گروههای تشکیل دهنده مجلس اعلا در آن زمان عبارت بودند از: حزب الدعوه، سازمان عمل اسلامی، جنبش مجاهدین عراقی، حزب الله کردستان به رهبری شیخ محمد خالد بارزانی و گروهی از اخوان المسلمین عراق. البته در مراحل بعدی بعضی از گروهها نظیر سازمان عمل اسلامی همکاری خود را با مجلس اعلا کاهش داده و برخی مانند حزب الدعوه، از موضع قبلی خود مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی، به سمت یک حکومت دموکراتیک مبتنی بر شریعت اسلامی گرایش یافته اند.

:

بر اساس فرضیه تحقیق، اشغال عراق توسط آمریکا و در نتیجه سقوط صدام، خواه ناخواه موجب تحریک و تقویت جنبش اسلامی در خاور میانه و بویژه عراق شده است. در راستای آزمون این فرضیه چندین متغیر مورد توجه است که در مقدمه مقاله به آنها اشاره شد. در اینجا به تجزیه و تحلیل متغیرهای فوق می پردازیم:

۱. سقوط صدام و فراهم شدن زمینه برای فعالیت جنبش اسلامی

سقوط صدام، خود بخود زمینه فعالیت جریانهای اسلامی مخالف دولت صدام را در عراق فراهم کرد؛ زیرا چنانکه در پیشینه بدان اشاره شد، حداقل از زمان حاکمیت حزب بعث، فعالیت گروههای اسلامی در عراق به شدت سرکوب شد و این در حالی است که بدنبال سقوط صدام، علاوه بر جریانهای سابقه دار اسلامی موجود، جریانهایی نیز تحت تأثیر شرایط جدید در عراق فعال شده اند که جیش المهدی به رهبری مقتدی صدر، انصار الاسلام یا شاخه عراقی القاعده، جیش محمد و گروه شیخ احمد یاسین از آن جمله اند.

در این میان، جنجالی ترین جریان مربوط به مقتدی صدر فرزند آیت الله محمد صادق صدر است که در سال ۱۹۹۱ بدست عمال رژیم بعث عراق به قتل رسید. در مورد سن، تحصیلات، اهداف و عقاید وی که پایگاهش در نزدیکی شهر نجف واقع است، ضد و

تقیض های زیادی شنیده می شود؛ اما خود او در مصاحبه اینترنتی که در سایت الکتابه^۱ با ایشان صورت گرفته به این مسایل پاسخ می گوید:

: شما دقیقاً چند سال دارید؟

: در آغاز سال ۱۹۷۴، برابر با ۲۰ ذیحجه سال ۱۳۹۳ هجری قمری به دنیا آمدم.

: گفته می شود که شما در تحصیلات حوزوی، پس از دوره مقدماتی، بدون گذراندن دوره سطح

به تحصیلات درس خارج مشغول شدید؟

: من از ۱۴ سالگی تحصیلات حوزوی را آغاز کردم، بنابراین تاکنون ۱۶ سال است که مشغول

تحصیل هستم. فکر می کنم شما هم می دانید که گذراندن دوره های مقدمات، سطح و سطوح عالی، زمانی کمتر از آنچه که گفتم، طول می کشد.

: مرجع تقلید شما چه کسی است و در زمینه مسایل روز از چه کسی تقلید می کنید، همچنین

حجت شرعی شما درباره تقلید از این دو مرجع چیست؟

: مرجع تقلید من، شهید صدر(ره) است. درباره مسایل روز نیز از آیت الله حائری - دام ظلّه -

تقلید می کنم. درباره حجت شرعی و اینکه چگونه به این نتیجه رسیده ام که درباره مسایل شرعی و مسایل روز از این مراجع تقلید کنم، هرچند در این فرصت کوتاه نمیتوان به تفصیل آن پرداخت، با استعانت به خدا می گویم، مکتب شهید صدر اول، بزرگترین مکتب اصولی است که در چند قرن اخیر، ظهور پیدا کرده است. همچنین شکی نیست که حاملان اندیشه این مکتب از دیگر علمای حوزه علمیه، اعلم هستند و البته دو نفری که نام آنان را ذکر کردم، برجسته ترین علمای این مکتب هستند. برای یافتن ادله بیشتر در این باره، می توانید به کتابی که درباره «مرجعیت استناد» به تقلید از شهید صدر نوشته شده است، مراجعه کنید.

: شایع شده است که شما پیش از سقوط رژیم صدام، حق رهبری شیخ یعقوبی بر «جریان صدر»

را غصب کرده و جای او را گرفته اید. در این باره چه توضیحی دارید؟ درباره این اتهام که شما پیش

از سقوط رژیم صدام، باعث ایجاد شکاف در «جریان صدری» شده اید، چه پاسخی دارید؟

: شما در این باره می توانید مستقیماً از برادر گرانقدر شیخ یعقوبی بپرسید، اگر ایشان ادعای شما

را تأیید کردند، آنگاه نوبت به پاسخ من خواهد رسید.

: چرا شما در خلال جنگ عراق و نیز پس از سقوط رژیم سابق، برای مقابله با اشغال ائتلاف به

عملیات نظامی اقدام نکردید؟

۱. این سایت عراقی که گویا توسط روزنامه نگاران نزدیک به نیروهای آمریکایی اداره می شود، مصاحبه ای اینترنتی با مقتدی صدر و با هدف محکوم کردن وی انجام داده است اما مقتدی صدر نیز در پاسخ، به توجیه اتهامات وارد بر خود پرداخته است.

: روشن است که براندازی رژیم سابق عراق، یکی از اهداف ائتلاف آمریکا، برای آغاز جنگ بود و این آرزویی بود که هیچکس نمی تواند، شدت تعلق مردم عراق به آن را انکار کند. از سویی مردم عراق قادر به تحقق بخشیدن به این آرزو نبودند، همانطوری که این موضوع در انتفاضه ماه شعبان ثابت شد. بنابراین ما صلاح دیدیم که برای روشن شدن وضعیت عراق و ائتلاف آمریکا در این کشور، منتظر بمانیم که با توجه به اوضاع عراق، برای روشن شدن موضوع، تنها گذشت چند ماه کافی نبود. از سوی دیگر پیوستن مجموعه ای از احزاب که نمایندگی برخی اقشار ملت عراق را به عهده دارند و نیز بقایای رژیم سابق به یکدیگر و مقاومت علیه اشغال، اوضاع عراق را پیچیده تر کرد، به گونه ای که معلوم نبود این مقاومت، نتیجه کار بقایای رژیم صدام است یا گروه های مردمی ضد اشغال. به هر حال امروز پس از گذشت چند ماه، برای هر فرد آگاه و دانایی مشخص شده که اوضاع از چه قرار است. وانگهی آنچه که ما علیه ائتلاف آمریکا انجام می دهیم بسیار کمتر از آنی است که بتوان نام آن را مقاومت گذاشت. اگر ما حقیقتاً مقاومت علیه ائتلاف را آغاز کنیم، به حول و قوه الهی، اثری از اشغال ائتلاف در عراق باقی نخواهد ماند.

: با توجه به اینکه شما در راستای عملکرد پدرتان، شهید صدر ثانی - که در زمان خود دادگاه تشکیل داد - دادگاه شرعی تشکیل دادید، آیا درباره حادثه ترور سیدعبدالمجید خوئی، تحقیقاتی در آن انجام شده است؟ در این صورت، بفرمایید که نتیجه این تحقیقات چه بوده است؟

: عبدالمجید خوئی، روز دهم آوریل گذشته ترور شد. مجریان این عملیات نیز پس از گذشت مدتی کوتاه به وسیله شبه نظامیان وابسته به یکی از احزاب - که کنترل نجف را به عهده داشت (به گمانم حزب جمهوری و یا چیزی شبیه به این اسم) - دستگیر شدند، اما این افراد (قاتلان) دوباره ناپدید شدند. این قاتلان افرادی وابسته به محافل ناشناخته داخل نجف بودند. از این رو شناسایی آنان به نیرویی اطلاعاتی نیاز داشت که ما در آن زمان چنین نیرویی را در اختیار نداشتیم. حال که شما این پرسش را مطرح کردید، بد نیست همین جا به این موضوع که برخی ما را به این قتل متهم می کنند، نیز اشاره ای داشته باشم. سؤال من از کسانی که این اتهام را مطرح می کنند، این است که اگر ما و یا یکی از اعضای دفتر ما، متهم به این قتل بود، چرا این مسأله نزدیک به یک سال به تأخیر افتاده است و حالا آن را مطرح می کنند. از همین تأخیر مشخص می شود که «کاسه ای زیر نیم کاسه» است و قاتلان واقعی نیز نزد خود آنان هستند.

: با توجه به اینکه نیروهای ائتلاف اعلام کرده اند، اگر شما تسلیم قانون شوید، مسأله تمام شده تلقی خواهد شد، چرا شما با تسلیم نشدنتان، مانع بررسی پرونده قتل خوئی می شوید؟

: من در پاسخ هایم، فرض را بر خلوص نیت و بی غرض بودن سؤال کننده و نیز میل وی به کشف حقیقت می گذارم، اما اغلب کسانی که درباره این مسأله مطلب نوشتند، به دنبال کشف حقیقت نبودند، بلکه سعی بر اعمال فشار بر ما را داشتند. در پاسخ به سؤال شما باید بگویم که:

۱- حکم جلب من از سوی دستگاهی صادر شده که اساساً این مسأله به آن مربوط نمی شود، چرا که همان طور که در مناسبت های گوناگون اعلام کرده ام، تصمیمات شورای حکومتی برای ما الزام آور نیست.

۲- حتی اگر ما شورای حکومتی را نیز قانونی بدانیم، باز هم حکم جلب مذکور، به تأیید دادگاه ویژه تجدیدنظر نرسیده و همچنین به دستگاه اجرایی خاص خود تحویل نشده است.

۳- هم رییس هیأت قضایی و هم وزیر دادگستری، از صدور چنین حکمی اظهار بی اطلاعی کرده اند و این امری است که غیرقانونی بودن این حکم و یا دست کم وجود خلأ بزرگی را در سیستم قضایی ثابت می کند و از همه مهم تر اینکه، موجبات شک و تردید نسبت به اهداف پشت پرده از صدور حکم جلب بنده را فراهم می آورد.

۴- این حکم از سوی قاضی ای صادر شده که از سوی «الوظیفی» - که فردی بعثی با درجه عضویت در شعبه حزب بوده و مخالف با پاکسازی حکومت عراق از بعثی هاست - منصوب شده است. او عضویت خود در حزب بعث و همه اسناد جعلی اش در این باره و نیز اطلاعاتی که به موجب آن، قانونا نمی تواند به شغل خود ادامه دهد را از دید شورای حکومتی پنهان داشته است.

۵- ما زمانی به قانون احترام می گذاریم که مجریان آن بر اساس غرض ورزی و مسایل پشت پرده حکم صادر نکنند.

۶- طبق قانون، در پرونده های جنایی، حکم جلب تا ۴۵ روز قانونی و قابل پیگیری است و پس از گذشت این مدت، از درجه اعتبار ساقط می باشد، اما چرا این حکم جلب جاودانه برای من، پس از گذشت ۳ ماه، هنوز لغو نشده است؟

۷- شرایط زمان اعلام این حکم، مستقل بودن و تحت فشارهای سیاسی نبودن آن را زیر سؤال می برد.

: آقای صدر، شما به هنگام تأسیس «جیش المهدی»، اعلام کردید که این سپاه به منزله پایگاهی برای حضرت مهدی (عج) است. پس چرا شما از این سپاه برای دفاع از شخص خودتان و تسلیم نشدن به وزارت کشور و سیستم قضایی عراق استفاده می کنید؟ نظر شما در این باره که گفته می شود، این سپاه را برای برقراری موازنه بین وضعیت سیاسی خودتان و مجلس اعلا - که سپاه بدر را دارد - تشکیل داده اید، چیست؟

: در رابطه با «جیش المهدی»: اول اینکه فرض بر این است که این سپاه برای حفاظت از عتبات عالیات عراق و نیز نگهداری حرمت حوزه علمیه تأسیس شده است. همانطوری که این سپاه در

مناسبت های ماه شعبان، اربعین، رحلت پیامبر(ص) به وظیفه خود عمل کرد و با توفیق الهی، هیچ اتفاقی نیفتاد.

دوم شاید شما خطبه چند ماه پیش من را نشنیده اید که در آن از اطرافیانم خواستم، مرا به حال خودم بگذارند. آمریکا نیز این سخن امام حسین(ع) در شب عاشورا را بوق کرد که «از تاریکی شب استفاده کنید، بروید و مرا تنها بگذارید». اما با این حال اغلب افرادی که دور من جمع بودند، ترجیح دادند که بمانند و از کوفه و نجف دفاع کنند و مانع از ورود نیروهای ائتلاف به این شهرها شوند.

اما در پاسخ به بخش دوم سؤالتان، از شما می پرسم که با توجه به اوضاع نابسامان کشور و به ویژه اینکه ائتلاف آمریکا، مردم را در مقابل عمل انجام شده قرار می دهد، سپس همان را بر مردم تحمیل می کند، چه اشکالی دارد که برای ایجاد موازنه قوا، سازمان هایی تشکیل شود؟

وانگهی سپاه بدر به سازمانی غیرنظامی به نام سازمان بدر تبدیل شده، همانطوری که ما نیز پس از این تحول، «جیش المهدی» را به سازمانی غیرنظامی تبدیل کردیم، بنابراین فرض شما اشتباه است.

: نظر شما درباره دموکراسی و همچنین اینکه درباره هر تصمیمی باید به آرای مردم مراجعه شود - حتی اگر مردم حکومتی لائیک را برگزینند - چیست؟ نظرتان درباره حکومت بر مردم از طریق صندوق های رأی و نه از طریق شبه نظامیان مسلح، چیست؟ چرا هنگامی که دولت سایه را تشکیل دادید، دوباره پشیمان شدید؟ اگر در زمان اعلام تشکیل دولت سایه، به این اصل معتقد بودید که تأیید و پشتوانه مردمی، تنها محکی است که میتواند، مشروعیت یک حکومت را مشخص کند، پس چه شد که به یکباره رأی مردم را زیر پا گذاشتید و نظر خود را بر آنان تحمیل کردید؟ هنگامی که آیت الله سیستانی، خواستار برگزاری انتخابات شد، چرا موضع شما در این باره روشن نبود؟ حال آنکه هیأت علمای مسلمین، آشکارا با این موضوع، مخالف بود، چرا؟

: اگر معنی دموکراسی، حکومت اکثریت بر مردم، بدون ضایع شدن حقوق اقلیتهاست، در این صورت ما از کسانی بودیم که پیش از صدور فتوای مراجع در این باره، خواستار آن شدیم. وانگهی زمانی که فتوای مراجع نیز در این باره صادر شد، ما از آن حمایت کردیم و به همراه دیگر تظاهرکنندگان خواستار اجرای آن شدیم. ما بارها اعلام کردیم که یک روز پس از برگزاری انتخابات آزاد و سالم در عراق، هیچ شبه نظامی مسلحی - که وابسته به ما باشد - در این کشور وجود نخواهد داشت. البته به شرط اینکه دیگر گروهها نیز شبه نظامی نداشته باشند. در رابطه با دولت سایه نیز باید بگویم، شرط ما موافقت عموم ملت عراق با آن بود، بنابراین هنگامی که ما با تأیید و حمایت جزئی و

اندک مردم روبرو شدیم، به این امر پایان دادیم. درباره آخرین بخش سؤالتان نیز تصریح می‌کنم که این مسأله از پایه، دروغ است.^۱ معجله آلمانی اسپینگل نیز به نقل از شبکه تلویزیونی الجزیره در زمینه فعال شدن نیروهای اسلامی در عراق می‌نویسد: «آمریکاییها و انگلیسیها به جای مواجه شدن با مقاومت و مخالفت واحدهای سکولار، واحدهای پراکنده ارتش عراق، نیروهای خشونت طلب بعثی و طرفداران صدام با آنان، هم اکنون با مبارزانی که انگیزه دینی دارند مواجه شده‌اند.»^۲

۲. تغییر دیدگاه آمریکا نسبت به جریانهای اسلامی و بویژه شیعیان در عراق

شیعیان عراق با توجه به برخورداری از جمعیتی بالغ بر ۶۰ درصد کشور، بزرگترین قدرت سیاسی در این کشور محسوب می‌شوند و هر نوع تغییر و تحول و تصمیم‌گیری پیرامون آینده سیاسی عراق بدون توجه به این قدرت، با ناکامی و شکست مواجه خواهد شد. از این رو اشغالگران عراق توجه ویژه‌ای به جایگاه و موقعیت شیعیان دارند؛ اما این توجه دارای ابعاد مختلفی است. در واقع آمریکایی‌ها به جامعه شیعه عراق هم به عنوان یک فرصت و هم به عنوان یک تهدید نگاه می‌کنند. فرصت از این جهت که از یک طرف بتوانند برخی از مسایل مربوط به شیعیان عراق را در برابر شیعه انقلابی متأثر از اندیشه‌های امام خمینی (ره) (که خود آن را خمینیسم در جهان اسلامی می‌نامند) قرار دهند و از سوی دیگر رادیکالیسم سنی را، که به اعتقاد آنها نسبت به شیعه نیز رادیکالتر شده، مهار نمایند. اما تهدید از این زاویه که شیعیان عراق ممکن است به لحاظ جغرافیایی و ایدئولوژیکی تحت تأثیر نفوذ اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران قرار گیرند.

تا قبل از وقایع ۱۱ سپتامبر بیشترین جهت‌گیری تحلیلگران سیاسی و اسلام‌شناسان غربی این بود که شیعیان، رادیکالترین قرائت را از اسلام سیاسی دارند و برای اثبات این ادعا به وقایعی چون انقلاب اسلامی ایران و اقدامات حزب الله لبنان و حرکت‌های شیعیان در حوزه خلیج فارس اشاره می‌کردند. اما واقعه ۱۱ سپتامبر و بروز رفتارهای تند و افراطی در میان سلفی‌ها موجب شد تا تجدید نظرهای اساسی و دگرگونی‌های بسیاری در دیدگاه‌های تعدادی از تحلیلگران سیاسی در مورد شیعیان، به خصوص در منطقه خاور میانه ایجاد شود.

2. www.bbc.com.uk, 28 June 2003.

تعلق القاعده و بن لادن به نحله فکری سلفی سنی و عدم حضور شیعه در میان گروه های افراطی موجب گردید تا ذهنیت تحلیل گران غربی به سرعت به سمت بررسی تفاوت های شیعه و سنی متوجه شود؛ با این تصور که عنصر شیعه و ویژگی های آن در عراق و عربستان می تواند موجبات تضعیف افراط گری سلفی را فراهم سازد.

«ژیل کیل» استاد انستیتوی مطالعات سیاسی پاریس و سیاست شناس مشهور جریان های اسلامی در مقاله ای در روزنامه لوموند نوشت: « با وقوع انقلاب اسلامی ایران، گرایش شیعه مهمترین دشمن ایالات متحده آمریکا بشمار می رفت و آمریکا را وادار کرد تا از جریان های محافظه کار سنی، پادزهری برای بنیاد گرایی شیعی بسازد؛ اما رویداد ۱۱ سپتامبر و برجسته شدن نقش پدیده ای بنام بن لادن، بنیاد گرایی سنی را چونان خطری عظیم تر نشان داد و اعتبار نخبگان اهل سنت را به پرسش گرفت».

در واقع برخی از تحلیل گران آمریکایی بر این اعتقادند که شرایط فعلی جهان و جوامع اسلامی با شرایط دهه ۸۰ میلادی که موجبات بروز انقلاب اسلامی و حرکت های انقلابی شیعه در لبنان و سایر نقاط خاور میانه را فراهم ساخت متفاوت است؛ چنانکه در تهاجم آمریکا به افغانستان نیز برخی از رهبران شیعه در راستای جلب منافع خود همکاری هایی را با آمریکا داشته اند.

روزنامه لس آنجلس تایمز مورخ ۸۲/۱/۲۸ نیز در مقاله ای نوشت: « رهبرانی که با نجف مرتبط می باشند، نظر مشترکی با تفسیر های امام خمینی از دین ندارند و ایالات متحده را شیطان بزرگ تلقی نمی کنند. شاید آنها به نوعی سازش تلویحی با دولت موقت به رهبری آمریکا در عراق دست خواهند یافت؛ مشروط بر اینکه آمریکا اجازه دهد که شیعیان نقشی را که نشان دهنده موقعیت آنها در اکثریت بودنشان است، ایفا کنند. آمریکایی ها امیدوارند که بتوانند با سازماندهی یک جریان شیعه میانه رو (به گمان خودشان) در منطقه خاور میانه، حاشیه امنی را در مقابل رادیکالیسم سلفی و شیعه انقلابی ایجاد نمایند». در این زمینه، ملاقات جرج بوش با گروهی از افراد سرشناس و چهره های سکولار شیعه اروپا و آمریکا با حضور دیک چنی و رایس نشانگر اهمیت و نقش این چهره ها در نزد مقامات آمریکایی است. از سوی دیگر مطرح کردن چهره های مذهبی و روحانیونی از شیعه مانند سید مجید خویی و یا چهره های سکولار نظیر کنعان مکیه و لیث مکیه نیز در همین راستا ارزیابی می شود.

آمریکایی‌ها در ارتباطات و تماسهای گسترده خود با شیعیان (چه در اروپا و آمریکا و یا در عراق و عربستان) تلاش می‌کنند، این ذهنیت را ایجاد نمایند که شیعه به عنوان یک گروه عمده از اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک (نفتی) برخوردار است و برای کسب امنیت و منافع سیاسی و اقتصادی خویش باید از هرگونه رادیکالیسم پرهیز نماید و آنرا بر خلاف مصالح و منافع خود بداند و در این زمینه، از چالش پدید آمده میان آمریکا و تفکر وهابی «که دشمن دیرینه شیعه نیز بوده» باید حداکثر استفاده را بنماید و با اعلام برائت خود از رادیکالیسم، به این منافع دست یابد.

به این ترتیب بنظر می‌رسد که در سیاست‌های اخیر آمریکا نسبت به خاور میانه، شیعیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و در ادبیات منتشره در رسانه‌های جمعی و مراکز تحقیقاتی آمریکا توجه به شیعیان به عنوان اقلیتی که خود را در طول تاریخ مغبون احساس کرده و دارای مطالباتی هستند بصورت جدی بروز یافته است. درج مقالات تحقیقی در مورد ژئوپولیتیک شیعه در خاور میانه و تسلط جمعیتی و جغرافیایی شیعیان بر مناطق نفتی، موقعیت شیعیان در بحرین، جمعیت ۲۰ درصدی شیعیان در کویت و اینکه شیعیان تنها گروهی بودند که در هنگام حمله به عراق در سال ۱۹۹۱ با متجاوزین جنگیدند و بالاخره تسلط جمهوری اسلامی ایران شیعی بر شمال خلیج فارس و دریای عمان، همه از نکات برجسته ژئوپولیتیک شیعه در خاور میانه اند که مورد توجه محققان غربی بویژه در آمریکا قرار گرفته است.

۳. مشارکت رهبران جنبش اسلامی در ساختار قدرت عراق

مشارکت فعال برخی از رهبران جنبش اسلامی عراق (اعم از شیعه و سنی) در شورای حکومت انتقالی و سپس در مجلس و دولت موقت و دایم عراق، بویژه در سطوح بالای قدرت، حاکی از این است که با سقوط صدام زمینه فعالیت سیاسی نیروهای اسلامی در عراق بطور کامل افزایش یافته است.

ترکیب شورای حکومتی عراق که با وجود اختلاف نظر در مورد برخی از اعضای آن، سرانجام در ۱۳ ژوئیه سال ۲۰۰۳ مشخص شد، شامل ۲۵ عضو بود که از این میان، شیعیان دارای ۱۴ عضو، اهل تسنن چهار عضو، کردها پنج عضو و مسیحیان و ترکمنها نیز هرکدام دارای یک عضو بودند. با تصویب شورای حکومتی، شورای ریاست نیز شامل نه نفر از اعضای شورای حکومت انتقالی از جمله: پنج نفر شیعه، دو نفر سنی و دو نفر کرد بود که هر

کدام به مدت یک ماه ریاست شورا را بر عهده داشت. در دولتهای موقت ایاد علاوی^۱ و ابراهیم جعفری نیز این نسبتها کم و بیش وجود داشت و پیش بینی می شود که در پارلمان و دولت دایم عراق نیز ادامه یابد و این حاکی از مشارکت گسترده عناصر اسلامی در ساختار قدرت و حکومت عراق است.

بعلاوه، پذیرفتن مساله خلع سلاح توسط گروههایی نظیر مجلس اعلا و کنگره ملی عراق که دارای شاخه نظامی بودند، شاهدی بر این مدعاست. حاکم غیر نظامی عراق بعد از اعلام انحلال ارتش، طی دستورالعملی از همه گروههای سیاسی داخل عراق خواست که ظرف سه ماه سلاح های سبک و سنگین خود را تحویل دهند. این امر ابتدا با واکنش منفی شیعیان عراقی و بطور مشخص مجلس اعلائی انقلاب اسلامی روبرو شد؛ اما در نهایت، مجلس اعلا زیر فشار های بسیار شدید و به منظور ایجاد فضای تنفس، اعلام کرد که سپاه بدر سلاح های خود را تحویل خواهد داد و از این پس کارکرد سیاسی خواهد داشت.^۲ آیت الله محمد باقر حکیم و سایر اعضای مجلس اعلا با وجود نفوذ بسیار زیاد در میان شیعیان عراقی، با مشاهده فضای حاکم در عراق نمی توانستند تصمیم دیگری اتخاذ کنند؛ زیرا حضور سیاسی مجلس اعلا در عراق تحت شرایط خاصی صورت گرفت و مقاومت آنها در این زمینه، بطور قطع می توانست پیامد هایی منفی برای بقای آنان داشته باشد. بنابراین، مجلس اعلا دو هدف اساسی را در این زمینه مد نظر داشت: یکی بقای موجودیت سیاسی و دوم ختنی کردن فشار ناشی از اتهامات وارده از سوی آمریکا مبنی بر حمایت جمهوری اسلامی ایران از مجلس اعلا.

البته برخی از تحلیلگران این مساله را امری موقت و صوری و یا نوعی همسویی با اشغالگران آمریکایی و انگلیسی ارزیابی می کنند؛ اما باید توجه داشت که بر خلاف این دیدگاه، مشارکت نیروهای اسلامی در ساختار قدرت عراق امری ضروری، جدی و راهبردی است؛ هر چند این مساله به معنی موافقت و همسویی با اشغالگران نیست؛ زیرا اول: عدم حضور آنان در ساختار سیاسی عراق، موجب فراهم شدن زمینه برای حضور بیشتر عناصر و چهره های غیر اسلامی خواهد بود و دوم: تمسک افراطی به شیوه های رادیکالی و خشونت آمیز، علاوه بر اینکه موجب سوء استفاده آمریکا و فرصت طلبان است، انتقال قدرت به مردم

۱. در این زمینه به ضمیمه شماره دو مقاله مراجعه نماید.

1. <http://www.c.n.n.com> June 2003.

عراق را نیز به تأخیر می اندازد؛ امری که در نهایت به زیان منافع ملی عراق و نیز گروه‌های اسلامی تمام خواهد شد.

۴. فعال شدن آیت الله سیستانی در صحنه سیاسی عراق

آیت الله سیستانی در سال ۱۳۴۹ هجری قمری در شهر مشهد متولد شد و پس از آموختن مقدمات و دروس سطح، برای تکمیل تحصیلات خود در سال ۱۳۶۸ به شهر قم مهاجرت کرد. وی در سال ۱۳۷۱ از قم به نجف و در سال ۱۳۸۰ به موطن خود در مشهد بازگشت و بالاخره در سال ۱۳۸۱ دوباره به نجف اشرف عزیمت نموده و به تدریس پرداخت. اما در زمینه فعالیت‌های سیاسی، برخی دوری ایشان از مراعات و رقابت بر سر مناصب دینی و سیاسی را نوعی گریز از واقعیت یا هراس، ضعف و یا مخالفت با اسلام سیاسی تلقی کرده اند؛ در صورتی که در سایت ایشان در بخش مربوط به زندگی نامه وی آمده است که: رویه معمول ایشان در مواقع فتنه و آشوب، سکوت بوده است. ولی این سکوت نباید به معنی بی توجهی ایشان به مسئولیت سیاسی و اجتماعی در شرایط اضطراری تلقی شود؛ زیرا اوضاع بحرانی عراق پس از اشغال نشان داد که ایشان در شرایط ضروری از وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی خویش غافل نیست. پاسخ‌های ایشان به سؤالاتی که در زمینه ولایت فقیه از وی شده است نمایانگر همین مساله است:

می‌خواستم بدانم اگر حکم مرجع تقلیدی با حکم ولی فقیه فرق داشت مقلد باید از کدام اطاعت کند هم در مورد حکومتی و هم غیر حکومتی پاسخ دهید.

حکم کسی که ولایت شرعی دارد در امور عامه نظام جامعه و معاش مردم بر آن مبتنی است بر همه نافذ است حتی بر مجتهدین دیگر.

نظر آیت الله درباره ولایت فقیه چیست؟ لطفاً کتابهایی از ایشان یا کتابهایی فقهی را که در آنها از این موضوع بحث شده به من معرفی کنید.

حکم فقیه عادل مقبول نزد عامه مؤمنین نافذ است، در مواردی که قوام جامعه بر آن مبتنی است. و معظم له اشاره به این مطلب در کتاب (لا ضرر) کرده اند.

نظر شما راجع به شخص ولایت فقیه چیست؟

حکم حاکم شرعی عادل که مورد قبول عامه مؤمنین است، در مواردی که نظام جامعه بر آن متوقف است، نافذ است.

اگر ولی فقیه در هنگام جنگ، حکم جهاد دهد ولی پدر یا مادر مخالفت کنند و راضی نباشند در اینجا حکم کدامیک ارجح است؟ ولی فقیه یا پدر؟
 اگر واجب تعیینی باشد حکم جهاد مقدم است.
 محدودده اختیارات ولایت فقیه تا چه حد می باشد و آیا عمل به دستورات ولی فقیه فقط تحت قانون اساسی نه بیشتر کفایت می کند؟

: اموری که مربوط به حفظ نظام است فقیه مقبول نزد عامه مؤمنین ولایت دارد.
 یکی از کارشناسان عراقی در مؤسسه آمریکایی صلح و اشنینگتن نیز در این زمینه می گوید: «یک مرجع شیعی نمی تواند غیر سیاسی باشد. مرجع، راهنمای مردم در ابعاد مختلف زندگی است. وقتی اوضاع سیاسی آرام است آنها سیاسی نیستند اما اگر محیط عوض شود، آنها نیز تغییر می کنند.»^۲ بعلاوه، مخالفت های علنی ایشان با طرح های فعلی و آتی آمریکا برای عراق از جمله فعالیت هایی است که در شرایط بحرانی عراق از ناحیه ایشان صورت گرفته است.

دولت آمریکا در تلاش برای فرو نشاندن موج اعتراضات مردم عراق نسبت به اشغال این کشور، طرحی را برای انتقال قدرت به یک دولت موقت عراقی تا اواسط سال ۲۰۰۴ ارایه کرد. به عنوان بخشی از این طرح، ایالات متحده و مقامات شورای حکومتی عراق، افراد سرشناسی از هر یک از ۱۸ استان عراق را بر می گزیدند تا مسئولیت انتخاب اعضای مجلس ملی جدید این کشور را به آنها واگذار کنند. مجلس ملی نیز دولت موقتی را انتخاب می کرد تا قدرت را در اول ژوئیه سال ۲۰۰۴ از آمریکا تحویل بگیرد و....

طرح فوق با موجی از مخالفت ها روبرو گردیده است، اما مهمترین مقاومتی که در برابر اجرای این طرح صورت گرفته، از جانب آیت الله علی سیستانی، ابراز شده و این مخالفت، در فتوای ایشان، مبنی بر تسلیح مردم عراق، بطور کامل نمایان است. آیت الله سیستانی به هیچ وجه قبول ندارد که ایالات متحده و اعضای شورای حکومتی عراق باید چنین حقی را در شکل گیری روند تشکیل مجلس ملی این کشور برای خود قایل شوند. در همین راستا، وی اعلام کرده است که «هیچ کس حق ندارد اعضای مجلس قانونگذاری عراق را از جانب خود به این سمت بگمارد. ما هیچ راهی نمی بینیم جز این که به آرای مردم برای انتخاب

2. Ibid

1. USA TODAY, U.S. trying to deal with Sistani's growing influence, By Barbara Slavin.

نمایندگان خود رجوع کنیم». از یک دیدگاه، درخواست آیت الله سیستانی برای برگزاری انتخابات دموکراتیک و تصمیم‌گیری درباره این موضوع مهم که چه کسانی در آینده بر کرسیهای نمایندگی مجلس ملی عراق خواهند نشست بیش از آنکه برای ترساندن مقامات آمریکایی ابراز شده باشد، با هدف تلاش برای اعطای قدرت بیشتر به جامعه بزرگ شیعیان عراق و کاستن از قدرت آمریکاییها در عراق صورت گرفته است. شیعیان عراق بیش از ۶۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و این در حالی است که آنها همواره از سوی اقلیت سنی مذهب عراق که در طول تاریخ این کشور بر مسند حکومت تکیه زده‌اند به حاشیه رانده شده‌اند.

آیت الله سیستانی به خوبی از این مساله آگاه است که بهترین راه برای رسیدن اکثریت شیعه عراق به حق و آرزوی دیرینه تاریخی خود برای مشارکت در ارکان تصمیم‌گیری این کشور، برگزاری انتخابات سراسری با مشارکت تمامی مردم عراق برای تصمیم‌گیری در مورد موضوعات سیاسی مختلف، از جمله ترکیب مجلس ملی این کشور است. وی به خوبی می‌داند که با اتخاذ چنین رویه‌ای میتوان نقش و جایگاه فراموش شده شیعیان را با صلابت و قدرت هر چه بیشتر در آینده عراق گنجانند.

عبدالعزیز حکیم، روحانی شیعه و عضو شورای حکومتی موقت عراق نیز با نظر آیت الله سیستانی کاملاً موافق بوده و معتقد است که طرح‌های کنونی ایالات متحده نقش مردم عراق را در فرآیند انتقال قدرت به عراقی‌ها تا حد زیادی نادیده می‌گیرد. مخالفت صریح آیت الله سیستانی با طرح‌های آمریکا نگرانی‌های زیادی را برای سیاستگذاران دولت بوش در پی داشته است. مشکل اصلی سیاستگذاران آمریکایی برای اجابت خواسته‌های آیت الله سیستانی این است که اگر به مردم اجازه داده شود تا شکل آینده حکومت خود را از طریق پیمودن یک فرآیند کاملاً دموکراتیک برگزینند، در این صورت به نظر می‌رسد که دولت جدید عراق در مسیری مخالف با منافع و خواست آمریکا گام خواهد برداشت.

علاوه بر حکیم، محمدتقی مدرسی که در کربلا اقامت دارد نیز تأکید کرده که ترکیب مجلس ملی عراق باید از طریق برگزاری انتخابات سراسری مشخص شود نه با گزینش بزرگان و سرشناسان هر منطقه. مدرسی طی پیام شدیدالحنی به سردمداران ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا اعلام کرد: من از رشد روز افزون فقر و محرومیت در میان مردم عراق به شدت نگرانم

و به همه اعلام می‌کنم که عراقی‌ها مردمانی صلح‌طلب هستند؛ اما اگر صبر مردم عراق تمام شود آنگاه وضعیت فرق خواهد کرد. من از بروز هرگونه فتنه و آشوب در جامعه کنونی عراق به شدت بیم دارم و نسبت به وقوع آن قویاً هشدار می‌دهم.

واقعیت این است که اگر شیعیان عراقی در ابتدا با اشغال کشورشان توسط نیروهای بیگانه و در رأس آنها آمریکا مخالفت جدی نکردند، به این امید بودند که اگر در آینده نه چندان دور در عراق انتخاباتی فراگیر و کاملاً دموکراتیک برگزار شود، به یقین آنها (با توجه به ترکیب جمعیتی عراق) به سادگی خواهند توانست به اهداف مورد نظر خویش دست یابند. با این توصیف، اگر مقامات آمریکایی سعی کنند که شیعیان را از راههای گوناگون، نظیر رد خواسته‌های آیت‌الله سیستانی و سایر رهبران جنبش اسلامی از دست‌یابی به اهدافشان بازدارند، در این صورت آنها قادر خواهد بود تا با انجام اقداماتی همچون برقراری اعتصابات سراسری و نافرمانی از قوانین مدنی، دست به مقابله به مثل جدی با اشغالگران زده و ترس از بازگشت کشور به یک فضای بسته و خفقان‌آور سیاسی را در دل‌های آنان بنشانند. بعلاوه بدیهی است که اگر جمع کثیر شیعیان عراقی قصد مقاومت در برابر اشغالگران خارجی را داشتند در این صورت اوضاع برای نیروهای تحت رهبری آمریکا به مراتب سخت‌تر از اوضاع پیچیده کنونی می‌بود. بنابراین به نظر می‌رسد که مقامات کاخ سفید باید به خواسته‌های آیت‌الله سیستانی تن در داده یا لا اقل به آنها توجه جدی نشان دهند.^۱

یکی از کارشناسان عراقی در دانشگاه دفاع ملی واشینگتن نیز در این زمینه می‌گوید: اگر ما به آیت‌الله سیستانی که نماینده خط میانه در طیف سیاسی کشور عراق است توجه نکنیم، بطور جدی با خطر عدم دسترسی به اهدافی که در عراق دنبال می‌کنیم مواجه خواهیم شد:

"We have to listen to and deal with what Sistani is saying," says Judith Yaphe, an Iraq expert at the National Defense University in Washington. "Sistani represents the middle of the road in Iraq's political spectrum. U.S. insistence on controlling the outcome is in danger of creating a backlash that will do considerable damage to the goals we're trying to achieve."²

2. USA TODAY, ibid.

با توجه به اکثریت بیش از ۶۰ درصدی شیعیان عراق، مشارکت فعال احزاب و گروه‌های شیعه و سنی در ساختار قدرت حکومت انتقالی و دولت و مجلس موقت و دایم عراق و مانند آن، همگی حاکی از تغییر توازن قدرت به نفع جریان اسلامی در عراق است. البته نحوه انتخاب رییس جمهور و ترکیب دولت موقت گویای آن بود که آمریکایی‌ها تا حد امکان در صدد روی کار آوردن چهره‌های مورد نظر خود در عراق هستند؛ اما بدیهی است که در جریان یک رقابت سالم و دموکراتیک، نیروهایی که اکثریت را در عراق دارند موفق خواهند شد. به همین دلیل، در حالیکه اعضای شورای حکومت انتقالی، با فشارهای گسترده آمریکا و نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد، عدنان باجه جی^۱ را به ریاست جمهوری دولت موقت انتخاب کردند، وی از پذیرش این مسئولیت عذرخواست. یکی از دستیاران باجه جی که نامش فاش نشد به الجزیره گفته بود دلیل رد کردن سمت ریاست جمهوری از طرف باجه جی شایع کردن این مسأله بود که وی نامزد آمریکایی‌ها است. در پی امتناع باجه جی از پذیرش این مسئولیت، غازی الیاور^۲ که نامزد مورد حمایت اعضای شورای حکومت انتقالی بود به

۱. عدنان باجه جی ۸۱ ساله از جمله سیاستمداران ارشد عراقی تلقی می‌شود. وی تا قبل از کودتای حزب بعث در سال ۱۹۶۸ مدتی نماینده عراق در سازمان ملل و وزیر خارجه این کشور بود؛ اما پس از کودتا به مدت ۳۰ سال به صورت تبعید در ابوظبی زندگی کرد و در سال ۲۰۰۳ به عراق بازگشت و به عنوان رهبر گروه اتحاد دموکراتهای مستقل، عضو شورای حکومتی شد.

۲. غازی الیاور که در آمریکا تحصیل کرده، سالها مدیریت یک شرکت مخابراتی در عربستان سعودی را بر عهده داشته است. وی رییس قبیله بزرگ شومر و از تجار محترم این کشور است. الیاور ۴۶ سال دارد و چهره و چگونگی لباس پوشیدن وی ترکیبی از فرهنگ شرقی و غربی است. وی پس از اتمام تحصیلات مهندسی خود در دانشگاه جرج واشینگتن آمریکا، شرکتی موفق در عربستان تأسیس کرد و ساکن این کشور شد. اما سرنگونی صدام برنامه وی را تغییر داد. او می‌گوید: من در عربستان کار خوبی داشتم اما از همه چیز خود حتی همسر و چهار فرزندم چشم پوشی کردم. قبیله شومر سه میلیون نفر جمعیت شیعه و سنی دارد. این عده به شکل هلال از سوریه در شمال تا عربستان سعودی در جنوب پراکنده شده‌اند. وی به خوبی انگلیسی صحبت می‌کند و هرچند طرفدار خودمختاری کردهاست، اما از حفظ یکپارچگی عراق بشدت حمایت می‌کند. ابراهیم جعفری رییس حزب الدعوه اسلامی و روژنوری شایس از حزب دموکرات بارزانی نیز به عنوان معاونین ریاست جمهوری عراق تعیین شدند. غازی الیاور به همراه عدنان باجه جی، دو نامزد اهل سنت ساکن عراق برای ریاست جمهوری عراق بودند. غازی الیاور برادر زاده رییس قبیله شومر، فرد مورد نظر اکثریت اعضا برای تصدی این سمت بود و گفته می‌شود که وی به منظور خاتمه دادن به بن بست مربوط به انتخاب رییس جمهور، حاضر به قبول ریاست جمهوری عراق شده است. اگرچه مقامات آمریکایی رسماً گفته بودند که انتخاب رییس جمهوری عراق به تصمیم اعضای شورای حکومتی و نماینده ویژه سازمان ملل در عراق بستگی دارد، اما گزارشها حاکی از آن بود که آمریکا و سازمان ملل می‌کوشند که باجه جی به این سمت انتخاب شود. زیرا غازی الیاور رییس جمهور جدید، نسبت به سیاست آمریکا در قبال آینده عراق موضع انتقادآمیزی دارد. از جمله، وی پیش نویس قطعنامه ارسالی آمریکا به شورای امنیت را به این دلیل که برای دولت موقت اختیارات کافی در مورد نیروهای خارجی پیش بینی نکرده بود مورد انتقاد قرار داد.

ریاست جمهوری عراق انتخاب شد. بعلاوه پس از سپری شدن این دوره و تشکیل مجمع ملی موقت عراق، با توجه به اکثریتی که گروه های شیعه در قالب ائتلاف یکپارچه عراق در این انتخابات بدست آوردند، دکتر ابراهیم جعفری از حزب الدعوه به سمت نخست وزیری انتخاب شد و این مساله بدین معنی است که بخش مهمی از کابینه وی نیز از ائتلاف یک پارچه خواهد بود. بالاخره مشارکت فعال احزاب و گروههای اسلامی در انتخابات پارلمان دایم عراق و کسب اکثریت قابل توجه آرا توسط آنها به احتمال زیاد در آینده نیز توازن قدرت را به نفع آنها رقم خواهد زد.

باتوجه به مقدمات فوق میتوان گفت که با سقوط صدام و رژیم بعث عراق، با وجود تمایل آمریکا موجبات تحریک و تقویت جنبش اسلامی در عراق فراهم شده است؛ اما این مساله را نباید به معنی اتحاد استراتژیک آمریکا و رهبران جنبش اسلامی (بویژه شیعه) در عراق تلقی کرد بلکه شاید بتوان آنرا نوعی همکاری ضمنی، تاکتیکی و موقت در جهت احقاق حقوق از دست رفته آنان در طول سالهای گذشته توصیف کرد و این هم در صورتی است که حق آنان به عنوان یک اکثریت قابل توجه به رسمیت شناخته شود. در غیر این صورت بعید است جنبشی که حد اقل حدود نیم قرن سابقه مبارزاتی در عراق دارد، در برابر سیاستهای حذفی آمریکا و دیگر مدعیان قدرت در عراق به راحتی تسلیم شود چنانکه در طی سالهای طولانی جمهوری وحشت صدام و حزب بعث نیز چنین نکرد. این امر چند دلیل دارد از جمله:

۱. عدم حمایت شیعیان جنوب عراق از نیروهای ائتلاف در هنگام حمله به عراق؛
۲. موضع گیری علمای شیعه در مقابل حمله نیروهای ائتلاف به صورت بیانیه های کتبی و شفاهی؛
۳. عدم پذیرش فرماندهی آمریکا در زمان حمله به عراق توسط معارضین شیعه (بر خلاف سایر معارضین)؛

۴. شرکت فعال احزاب و گروههای اسلامی در شورای موقت انتقالی، دولت و مجلس ملی موقت عراق
۵. مشارکت فعال احزاب و گروههای اسلامی در انتخابات مجلس دایم عراق که با توجه به آرای قابل توجه آنها به تشکیل دولت نیز منجر خواهد شد.
- ۱- قرآن کریم، سوره های: هود، آیه ۶۱؛ طه، آیه ۸؛ حج، آیه ۳۴؛ آل عمران، آیه ۶۴؛ بقره، آیه ۱۵۶؛ اعراف، آیه ۱۵۸؛ انبیا، آیه ۱۰۷؛ حدید، آیه ۲۵؛ حجرات، آیه ۱۳؛ زمر، آیه ۹؛ زخرف، آیه ۳۲ و مانند آن.
- ۲- روز نامه شرق، سال اول، شماره ۹۹، ۱۳۸۲/۱۰/۶.
- ۳- روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۸۳/۲/۲۱.
- ۴- صادق تهرانی، محمد، نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق ... (قم: دارالفکر، بی تا).
- ۵- ناظمیان، رضا، تاریخ سیاسی معاصر عراق، (بی جا: مؤسسه فرهنگی کتاب و عترة، ۱۳۸۱)، ص ۱۸.
- ۶- سایت الکتابه، ترجمه امیر هاشمی.
- ۷- پیر حسین لو، علی. بازخوانی یک جریان موثر عراقی حزب الدعوه، در سایت www.Emrooz.org.htm
- ۸- گفتگو با عبدالعزیز حکیم رئیس مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق، همشهری، ۸۲/۷/۲۶، ص ۱.
- ۹- شفیعی نوذر، کالبد شکافی شیعیان در عراق، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۱، نیمه اول اردیبهشت ۱۳۸۳.
- ۱۰- هاشمیان، حسین، مقتدی صدر و قتل عبدالمجید خوئی، ایران ۸۳/۲/۱۶
- ۱۱- نگاهی به انتخابات پارلمانی عراق (۱۳۸۴/۹/۲۲) در سایت Sharif news. Com

ضمیمه شماره یک: بخش دوم گفت وگویی مقتدی صدر با سایت الکتابه:

سید مقتدی صدر، در بخش دوم گفت و گوی خود با سایت «الکتابه» می گوید: درباره شبه نظامیان وهابی هم من اطلاعی ندارم، تا جایی که خبر دارم، برخی اعراب وهابی، وارد عراق شده اند که از سوی وهابیهای داخل این کشور حمایت می شوند. وی در این گفت و گو به اظهار نظر درباره کردها و اهداف تجزیه طلبانه آنان، گروههای مبارز فلسطینی و لبنانی، تقدس دادن به رهبران و برنامه وی در صورت خروج سریع نیروهای آمریکایی می پردازد.

وی همچنین درباره ولایت فقیه می گوید: بر اساس نظرات پدرش، به مطلق بودن ولایت فقیه اعتقاد ندارد و اینکه رأی مردم در انتخاب حکومت کشور بر هر چیزی مقدم است. وی تأکید می کند که او و حامیانش به هیچ عنوان وارد دستگاه حکومت آینده عراق - چه قانونی باشد و چه غیرقانونی - نخواهد شد.

نظر شما درباره خواسته های اکراد، مبنی بر حقوق خود از طریق حکومت فدرال چیست؟
ما با حکومت فدرالی موافقیم که همه عراق را در برگیرد و نه حکومت هایی جدا از یکدیگر که پرچم، دولت و ارتش مستقل داشته باشند. از طرفی همه، به خوبی بر این امر واقفند که رهبران معروف اکراد، از ته دل به دنبال جدایی از عراق هستند، اما اوضاع بین المللی و منطقه ای این اجازه را به آنان نمی دهد. از این رو آنان برای رسیدن به آمال خود، به نظریه حکومت فدرال به شکل کنونی آن متوسل شده اند.

از اینکه اعلام کردید، ما دست کوبنده (حامی) حماس و حزب الله لبنان هستیم، به دنبال چه چیزی هستید؟ پاسختان به شایعاتی مبنی بر اینکه شما در داخل عراق پشتوانه ای ندارید و به همین خاطر، همانند صدام به دنبال یافتن حامیانی در خارج هستید، چیست؟ آیا مطلع هستید که جریان های ملی فلسطینی و لبنانی خواستار انحلال شبه نظامیان «حماس» و «حزب الله» هستند و حزب الله به ویژه پس از آزادی جنوب لبنان، همچنان بر خلع سلاح نشدن خود اصرار دارد. با این حال به خاطر حمایت سوریه از این حزب، هیچ کس قادر به اجبار آن به خلع سلاح نیست؟

ما از همه جنبش های آزادی بخش مسلمان - که زیر یوغ اشغال قرار دارند - حمایت می کنیم. بله، ما با سازوکارها و مبادی و اصول حماس و حزب الله در زمینه روش، عملکرد و درگیری های داخلی، اختلاف بسیاری داریم. ما درباره رفتار برخی رهبران آنان نیز اعتراضاتی داریم، اما در مجموع روی هدفی واحد - که آن آزادسازی سرزمینمان از اشغال است - توافق داریم.

نظرتان درباره تقدس دادن به یک رهبر دینی یا سیاسی چیست؟ پیروان شما در مورد قتل کسانی که با شما مخالف بودند و آشکارا از شما انتقاد می کردند، به فتوای چه کسی استناد کردند؟ کما اینکه چند نفر در شهرک صدر و نجف اینگونه اعدام شدند؟

اگر این سؤال شما مغرضانه نباشد، پاسخ این است که ما به رهبران و سرورانمان احترام می‌گذاریم، اما به آنان تقدس (به معنای بد کلمه) نمی‌دهیم. هرچند در کشورهای مجاور ما، به برخی رهبران تقدس داده شده، حتی آنان را در حد مقام پیامبران و ائمه(ع) می‌دانند، اما در رابطه با این ادعا که برای قتل عده ای فتوی صادر شده، از شما می‌خواهم که اگر دلیل و مدرکی دارید، رو کنید. در مورد اینکه می‌گویید، در شهرک صدر و نجف کسانی کشته شده‌اند، لطفاً هویت مقتول و قاتلان را ارائه دهید، ولی به نظر من، این امر از پایه دروغ است.

آیا شما فکر می‌کنید در این مبارزه نظامی که آغاز کرده‌اید، پیروز خواهید شد؟ شما چگونه ملت عراق را به مبارزه در رکاب خود راضی می‌کنید؟ (با پوزش از شما، شاید نزدیکان شما خشم و اعتراض مردم نسبت به عملکرد «جیش المهدی» را به آگاهی شما نمی‌رسانند).

ما با کسی وارد جنگ نشده‌ایم. حوادث اخیر عراق نیز چیزی بیش از دفاع از خود و مقدسات نبوده است. هیچ انسان عاقلی نیز به هنگام دفاع از خود، به این موضوع فکر نمی‌کند که آیا در این دفاع، پیروز می‌شود یا شکست می‌خورد. از طرفی، دفاع از خود، واجب شرعی است و جزو مسایل مستحب یا مباح نیست.

اگر به فرض محال، نیروهای ائتلاف بنا به خواسته شما، همین الان از عراق خارج شوند، آیا شما با شبه نظامیان وهابی خواهید جنگید؟ اگر ائتلاف پیش از تشکیل ارتش جدید از کشور خارج شود، شما چگونه امنیت مرزهای عراق را از طمع ورزی کشورهای همچون ایران و ترکیه حفظ می‌کنید؟ همین طور چگونه تضمین می‌کنید که عناصر «القاعده» و حامیان آنان وارد عراق نشوند؟

اول این سؤال شما، پرسشی فرضی است و ما نیز نگفتیم که نیروهای ائتلاف، همین امروز عصر یا فردا کشور را ترک کنند. همه خواسته ما بر این نکته تمرکز دارد که باید برای خروج ائتلاف، جدول زمانبندی مشخصی تدوین و همچنین اجرای این جدول، از سوی سازمان ملل تضمین شود. ما می‌گوییم که این نیروها باید پس از برگزاری انتخابات قانونی آزاد و سالم کشور را ترک کنند. از طرفی ما فرض را بر این گذاشته‌ایم که بازگشت بخش اعظم ارتش سابق عراق به همراه وجود صدها هزار عراقی مخلص، که تاکنون توانسته‌اند، خواب راحت را از چشم بزرگترین قدرتها بگیرند و از طرف دیگر با توجه به اوضاع کنونی بین‌المللی، هیچ کشوری در منطقه حتی فکر حمله هم به سرش خطور نمی‌کند.

درباره شبه نظامیان وهابی هم من اطلاعی ندارم، تا جایی که من خبر دارم، برخی اعراب وهابی وارد عراق شده‌اند که از سوی وهابی‌های داخل عراق حمایت می‌شوند.

اینکه شما خواستار تشکیل حکومتی اسلامی بر پایه ولایت فقیه (با توجه به اینکه شما خود را از مقلدان شهید صدر دوم که به این نظریه قایل بود می‌دانید) هستید، به این معنی است که شما در آینده

همه گروه‌هایی را که خواستار حکومتی اسلامی بدون وجود ولایت فقیه هستند، از جمله وهابی‌ها و دیگر گروه‌ها با زور سلاح سرکوب می‌کنید؟

: این سؤال، نشان دهنده ناآگاهی شما از فقه اسلامی است. ولایت فقیه نیازی به تلاش برای در اختیار گرفتن قدرت از طریق انقلاب و یا کودتای نظامی ندارد. ولایت شرعی فقیه جامع الشرایط، مرهون پذیرش از سوی عموم مردم است. شارع مقدس نیز می‌فرماید: «فانی جعلته حاکما علیکم»؛ این کلام پذیرش و خضوع مکلفان شرعی را تضمین می‌کند، اما این امر ویژه شیعیان است، بنابراین چگونه میتوان این نظریه را بر کسانی که مانند اهل سنت و دیگر مذاهب و ادیان به آن اعتقاد ندارند، تحمیل کرد. چرا که امام(ع) نفرموده است که «فانی جعلته حاکما علی الناس» یعنی من او را بر مردم حاکم کرده‌ام. همچنین خدای تعالی درباره رسول اکرم(ص) فرمودند: «لنأس کافه» یعنی «برای همه مردم»، حال آنکه درباره حضرت عیسی(ع) می‌فرمایند: «لبنی اسرائیل»؛ یعنی ایشان، تنها از بنی اسرائیل دعوت می‌کند.

از این رو، سخن ما این است که رأی مردم در انتخاب حکومت کشور بر هر چیزی مقدم است. پدر مرحومم وقتی کسی از او درباره میزان گستردگی اختیارات ولایت فقیه سؤال می‌کرد، می‌گفت: «وسعت ولایت فقیه به اندازه دلالت دلیل است» و مطلق بودن آن را رد می‌کرد.

: آقای صدر چنانچه آمریکایی‌ها، یعقوبی را آزاد، مجله «الحوزه» توقیف شده شما را رفع توقیف و از حکم جلب شما صرف نظر کنند، آیا سپاه شما سلاح هایشان را به زمین خواهند گذاشت؟
: ما به خاطر آزادی سیدمصطفی یعقوبی و یا به خاطر انتشار دوباره مجله «الحوزه الناطقه»، سلاح به دست نگرفته ایم. ما حدود یک هفته بدون اینکه حتی یک تیر شلیک کنیم، تظاهرات کردیم. اما وقتی دیدیم که نیروهای ائتلاف با تانک، مردم بی دفاع را زیر گرفتند و به سوی آنان تیراندازی کردند، چاره‌ای جز دفاع از خود نداشتیم.

: یاران شما خواستار محاکمه شما پس از استقلال و تشکیل حکومت جدید عراق شدند. با این حال چگونه است که شما خواستار تعجیل در محاکمه صدام، آن هم پیش از استقلال عراق شدید؟
: آیا شما محاکمه صدام، یعنی کسی که سه کشور را نابود کرده و نزدیک به یک و نیم میلیون نفر را به قتل رسانده، شیعیان را با بمب شیمیایی قتل عام کرده و عراق را به مزرعه‌ای از گورهای دسته جمعی تبدیل کرده را با پرونده پیچیده و مغرضانه من که آمریکا با طرح آن، هدفی جز شکستن بال «جریان صدر» ندارد، یکی می‌دانید؟ «ساء ما تحکمون»؛ چه بد قضاوت می‌کنید. با این حال آمریکا، صدام را محاکمه نمی‌کند، بلکه شاید او را پیش از محاکمه به قتل خواهد رساند.

: آیا شما در دولت آینده عراق که در تاریخ ۳۰ / ۶ / ۲۰۰۴ تشکیل می‌شود، شرکت خواهید کرد؟
: چنانچه پاکستان منفی است و شما این دولت را از اساس رد می‌کنید، به نظر شما چاره کار چیست؟

: من بارها این سخن را تکرار کرده ام، باز هم تکرار می کنم: من و همه حامیان من، وارد دستگاه حکومتی آینده عراق نخواهیم شد، حال چه این حکومت قانونی باشد و چه غیرقانونی، چرا که ما وظیفه ای غیر از این بر عهده داریم. تنها راه حل مشکل عراق نیز برگزاری کنفرانسی ملی، تحت نظارت سازمان ملل یا کشورهای اسلامی و یا مخلوطی از این دو است، تا این کنفرانس، دولتی تشکیل دهد که قادر به اداره کشور عراق باشد. بخش اعظم ارتش سابق عراق نیز باید دعوت به کار شوند، تا این ارتش به همراه دیگر کسانی که آمادگی پیوستن به آن را دارند، امنیت کشور را حفظ کنند. همه گروه های عراقی نیز باید خلع سلاح شوند.

: بنابراین چرا شما منتظر انتخابات آینده عراق نشدید، تا جاسوسان و خیانتکاران را شکست داده، اکثریت کرسی های پارلمان عراق را به دست آورید؟

: پاسخ این سؤال را در پرسش پیشین دادم.

: آیا شما بر این اندیشه اصرار دارید که هر کس نظرش با شما مخالف بود، او را جاسوس و خاین بنامید؟

: در عراق احزاب اسلامی بسیاری وجود دارد که هیچ قرابتی با خط سیر جنبش صدر ندارند، برخی احزاب ملی هم هستند که میتوان آنان را لائیک خواند، اما با این حال ما آنها را پذیرفتیم، آنها نیز ما را پذیرفتند. ما حتی برخی از اعضای شورای حکومتی را هم پذیرفتیم و آنگونه شما تصور می کنید، دارشان نزدیم.

ضمیمه شماره دو: فهرست اعضای دولت ایاد علاوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

| فهرست اسامی اعضای کابینه ایداعلاوی نخست وزیر موقت عراق | | |
|--|-----------------------------|-----------------------------|
| برهم صالح | معاون نخست وزیر عراق | کرد-حزب طالبانی |
| سوسن شریفی | در امور امنیت ملی | شيعه-حزب الدعوة |
| محمدعلی حکیم | وزیر کشاورزی | شيعه-مجلس اعلا |
| عمر الرمولوجی | وزیر ارتباطات | مستقل |
| مفید الجزایری | وزیر مسکن | کمونیست |
| حازم شعلان | وزیر فرهنگ | مستقل-بعثی سابق |
| سامی مظفر | وزیر دفاع | رئيس دانشگاه |
| ایهم السامرای | وزیر ترورش امور تربیتی | مستقل |
| خاتم دکتر مشکات مون | وزیر برق | کرد |
| خاتم اسکالیشورده | وزیر محیط زیست | مسیحی-مستقل |
| عادل عبدالمهدی | وزیر امور مهاجرت | شيعه-مجلس اعلا |
| هشیار زیباری | وزیر دارایی | کرد-حزب پارزانی |
| علاالدین علوان | وزیر امور خارجه | ملی گرا-مستقل |
| طاهرالبکا | وزیر بهداشت | |
| بختیار امین | وزیر آموزش عالی | کرد-مستقل |
| حاجم الحسنى | وزیر حقوق بشر | حزب الاسلامی |
| فلاح النقیث | وزیر صنایع | جنبش ملی-بعثی سابق |
| عبداللطیف رشید | وزیر کشور | کرد-حزب طالبانی |
| مالک دوهان الحسن | وزیر امور آبیاری | ملی گرا-مستقل |
| لیلا عبداللطیف | وزیر دادگستری | |
| نامر الغضیان | وزیر کار و امور اجتماعی | |
| مهادی الحافظ | وزیر نفت | دموکرات‌های مستقل (باجه‌جی) |
| نسرین برواری | وزیر برنامه ریزی | کرد-حزب پارزانی |
| رشاد عمرمدان | وزیر مشاوره عمومی | ترکمن |
| محمد جیوری | وزیر بازرگانی | وفاق به رهبری علاوی |
| علی القبان | وزیر حمل و نقل | شيعه-مجلس اعلا |
| وائل عبداللطیف | وزیر جوانان و ورزش | بعثی-استاندار سابق بصره |
| خاتم نرمن عثمان | وزیر مشاور در امور استان‌ها | کرد |
| قاسم داوود | وزیر مشاور در امور زنان | |
| | وزیر مشاور در امور کابینه | |

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی